

# خورخه لوئیس بورخس

تیم مک‌نیس  
مترجم: عمود گودرزی



۱۳۹۵



## خورخه لوئیس بورخس

نویسنده: تیم مک نیس

مترجم: محمود گودرزی

چاپ نخست: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده سازی: انتشارات علمی و فرهنگی  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه  
حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره رفتری و مرکز بخش

خیابان نلسون ماندلا (آفریقا) - پلاک ۲۵ - کد پستی: ۱۵۸۷۵۰۹۶۴۷ - صندوق پستی: ۱۵۸۷۷۴۵۷۱ - فکس: ۸۸۷۷۴۵۶۹-۷۰ - تلفن: ۸۸۶۷۷۵۴۴-۴۰ - تلفن مرکز بخش: ۸۸۶۶۵۷۲۸-۲۹

پلاک ۲۵؛ کد پستی: ۱۵۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۷۴۵۷۱؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۶۹-۷۰؛ تلفن: ۸۸۶۷۷۵۴۴-۴۰؛ تلفن مرکز بخش: ۸۸۶۶۵۷۲۸-۲۹

تلفن: ۸۸۷۷۴۵۶۹-۷۰؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۱

تلفن مرکز بخش: ۸۸۶۶۵۷۲۸-۲۹؛ تلفن: ۸۸۶۷۷۵۴۴-۴۰

www.elmifarhangi.ir

info@elmifarhangi.ir

www.ketabgostar.co.com

info@ketabgostar.co.com

سرشناسه: مک نیس، تیم، ۱۹۳۵-م. McNeese, Tim

عنوان و نام پدیدآور: خورخه لوئیس بورخس / تیم مک نیس؛ مترجم: محمود گودرزی

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: پانزده، ۱۲۸ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۶-۱۴۲-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Jorge Luis Borges, ۲۰۰۸.

موضوع: بورخس، خورخه لوئیس، ۱۸۹۹-۱۹۸۶م. Borges, Jorge Luis

موضوع: نویسندگان آرژانتینی -- قرن ۲۰م. Authors, Argentina -- 20th century

موضوع: نویسندگان آرژانتینی -- قرن ۲۰م. -- سرگذشتنامه ها.

شناسه افزوده: گودرزی، محمود، ۱۳۵۶-، مترجم.

رده بندی کنگره: PQ۷۷۹۷/ب۹م۷۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۸۶۸/۶۲۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۰۵۵۶۵

## فهرست مطالب

|                                       |     |
|---------------------------------------|-----|
| درآمد.....                            | هفت |
| فصل اول: پسر آرژانتینی.....           | ۱   |
| فصل دوم: سفر به اروپا.....            | ۱۷  |
| فصل سوم: پرکارترین دهه.....           | ۳۵  |
| فصل چهارم: نویسنده در دوران گذار..... | ۵۷  |
| فصل پنجم: شعر و قدرت.....             | ۷۵  |
| فصل ششم: شهرت و ازدواج.....           | ۹۱  |
| فصل هفتم: سال‌های واپسین.....         | ۱۰۷ |
| سال‌شمار.....                         | ۱۲۳ |
| کتابنامه.....                         | ۱۲۷ |

## درآمد

با تفرینی به سه آمد دیبا به چشم خورخه لوئیس بورخس میانسال، یکی از شناخته شده ترین و باساخته ترین شخصیت های ادبی قرن بیستم، روز به روز تاریک تر می شد، اما نه آن طور که در آثار بسیاری از نویسندگان بزرگ درباره تراژدی های انسانی می بینیم، بلکه به شیوه ای شخصی و جسمانی. تراژدی بورخس موروثی بود؛ اعضای خانواده بورخس نسل های متعددی با ضعف بینایی دست و پنجه نرم کرده، در گذر زمان دیده بودند که منظره همه چیز مقابل دیدگان تیره می شود و نهایتاً در تاریکی مطلق به تلاش خود ادامه داده بودند.

### یک میراث خانوادگی تاریک

کوری نسل اندر نسل، خانواده بورخس را عذاب داده بود. در نويستنده، خورخه بورخس پدر، تمام عمر با مشکل بینایی روبه رو بود. او که می دانست احتمال این خطر برای پسرش هم وجود دارد، خیلی زود داده بود چشم های نوزادش را معاینه کنند. چشم آبی رنگ در خانواده بورخس سابقه نداشت، از این رو وقتی که فهمید چشم های نورسیده اش آبی اند، از شادی نزدیک بود بال درآورد. هیجان زده به

همسر خود گفت: «نجات پیدا کرد. چشم‌های تو را دارد».<sup>۱</sup> متأسفانه اشتباه می‌کرد. نمی‌دانست که چشم‌های تمام نوزادان آبی‌رنگ است. چشم‌های خورخه نوزاد آبی باقی نماند. خورخه لوئیس ششمین نسل از خانواده‌اش بود که دچار نفرین ضعف بینایی می‌شد. او بیشتر عمرش، دنیا را در مرز کوری تجربه کرد.

این نقص از آن جهت نابخشودنی بود که نسل‌های پیشین خانواده بورخس با انجام کارهای جسمانی و شغل‌های نظامی، یادگارهایی از خود در دنیا باقی گذاشته بودند. مردان قدیمی خانواده بورخس جنگ جهانی را می‌توان بودند. این اجداد در میان نخستین اروپاییانی بودند که به آمریکای غربی رسیدند تا به نام تاج و تخت اسپانیا، دنیای جدید را فتح کنند. آن‌ها مردان مصمم و سختکوش این جهان بودند. این مردم، مکتشفان، کاشفان، حکمرانان محلی و بنیانگذاران شهرهای امپراتوری بودند؛ کسانی که سنگ زیربنای امپراتوری اسپانیا را نهاده بودند. یکی‌شان در کنار فرانسیسکو پزارو، کشورگشای اسپانیایی و فاتح امپراتوری گسترده اینکاها، پرو، جنگیده بود. دیگری به عنوان سرباز در خنده پادشاهان اسپانیایی خود بر پاراگوئه چیره شده بود. یکی شهر کورریبا را در توکومان، استانی در شمال آرژانتین، بنا گذاشته بود. دیگری به نیس آیرس کمک کرده بود؛ شهری مرکزی که بعدها در قرن بیستم، خورخه لوئیس بورخس آن را موطن خود ساخت. میراث خانواده بورخس از چنین مردانی به وجود آمده بود. گاه مردانگی خوشنودن آن‌ها باعث می‌شد که نوه امروزی‌شان احساس بی‌لیاقتی و بی‌اهمیتی کند. ضعف بینایی فقط و فقط به این زخم نمک می‌پاشید.

1. Monegal, Jorge Luis Borges: A Literary Biography, p. 4.

2. Francisco Pizarro

3. Cordoba

4. Tucumán